

## **Measurement and Evaluation of Livability Indicators in Urban Areas (Case Study: Qasrdasht Neighborhood of Shiraz)**

**Mohammadreza Shahriyari\***

\*Corresponding Author, PhD Candidate, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. E-mail: mohammadrezashahriyari75@gmail.com

**Parisa Moshksar**

Assistant Prof., Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Apadana Institute of Higher Education, Shiraz, Iran. E-mail: pr.moshksar.25@gmail.com

### **Abstract**

In the last few decades, the phenomenon of degradation of environmental quality has cast a shadow on the structure of old Iranian cities and has threatened its long-term sustainability... The aim of the current research is to measure livability and its influencing factors on the residents of Qasrdasht neighborhood in Shiraz. Therefore, the research is based on the descriptive-analytical method in terms of its practical purpose and method. In order to collect the required data, documentary and field methods and questionnaires have been used. The statistical population is the households living in Qasrdasht neighborhood of Shiraz city, based on Cochran's formula, 378 questionnaires were calculated as the sample size. 18 items in the form of 5 main components have been used to measure livability indicators. Also, data analysis was done using statistical methods of T-test, Pearson's correlation coefficient and multivariate regression analysis method in SPSS software. The obtained results show that livability in Qasrdasht neighborhood is above the average level and according to the Pearson correlation coefficient among the dependent variables studied, i.e. economic, social, physical, environmental and infrastructure components and services, correlation and direct relationship There is statistical significance. Also, the results show that the social index with a beta value of 0.289 had the greatest impact on the livability of the residents in the neighborhood.

**Keywords:** Livability, Physical, Social, Shiraz.

**Citation:** Shahriyari, Mohammadreza & Moshksar, Parisa (2022). Measurement and evaluation of livability indicators in urban areas (Case study: Qasrdasht neighborhood of Shiraz). *Urban and Regional Policy*, 1(3), 76-92.



## سنجش و ارزیابی شاخص‌های زیست‌پذیری در محلات شهری (مطالعه موردی: محله قصر دشت شیراز)

محمد رضا شهریار\*  
نویسنده مسؤل، دانشجوی دکتری، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. رایانامه: mohammadrezashahriyari75@gmail.com

پریسا مشک‌سار  
استادیار، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، مؤسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران. رایانامه: pr.moshksar.25@gmail.com

### چکیده

در چند دهه اخیر پدیده تنزل کیفیت محیطی بر ساختار کهن شهرهای ایرانی سایه افکنده و پایداری درازمدت آن را با خطر مواجه ساخته است. هدف پژوهش حاضر سنجش زیست‌پذیری و مولفه‌های تأثیر گذار آن بر ساکنین محله قصر دشت شهر شیراز است. از این رو، پژوهش از حیث هدف کاربردی و روش انجام آن مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی است. به منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز از روش‌های اسنادی و میدانی و پرسش‌نامه استفاده شده است. جامعه آماری، خانوارهای ساکن در محله قصر دشت شهر شیراز است که بر اساس فرمول کوکران تعداد ۳۷۸ پرسش‌نامه به عنوان حجم نمونه محاسبه شد. برای سنجش شاخص‌های زیست‌پذیری از ۱۸ گویه در قالب ۵ مؤلفه اصلی استفاده شده است. همچنین تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری آزمون T، ضریب هم‌بستگی پیرسون و روش تحلیل رگرسیون چند متغیره در نرم‌افزار SPSS انجام شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد زیست‌پذیری در محله قصر دشت بالاتر از سطح متوسط قرار گرفته و با توجه به میزان ضریب هم‌بستگی پیرسون در بین متغیرهای وابسته مورد مطالعه یعنی مولفه اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، زیست محیطی و زیر ساخت و خدمات هم‌بستگی و رابطه مستقیم معنادار آماری وجود دارد. همچنین نتایج بیانگر آنست که شاخص اجتماعی با میزان بتای ۰/۲۸۹ بیشترین تأثیر را بر زیست‌پذیری ساکنین در محله داشته است.

**کلیدواژه‌ها:** زیست‌پذیری، شیراز، کالبدی، اجتماعی.

**استناد:** شهریار، محمد رضا و مشک‌سار، پریسا (۱۴۰۱). سنجش و ارزیابی شاخص‌های زیست‌پذیری در محلات شهری (مطالعه موردی: محله قصر دشت شیراز). *سیاستگذاری شهری و منطقه‌ای*، ۱۱(۳)، ۷۶-۹۲.

## مقدمه و بیان مسئله

افزایش جمعیت شهرنشین نیازمند دسترسی مطلوب به زیرساخت‌ها، خدمات، مسکن و شغل خواهد بود. توسعه زمین شهری، زمین‌های کشاورزی را در معرض خطر نابودی قرار می‌دهد. با افزایش حجم ترافیک و فشار فزاینده بر محیط، وضعیتی غیر تحمل برای شهرها و سایر نقاط زمین به وجود می‌آید. با توجه به این مسائل، لازم است که در کنار رشد شهرها، مسئله توسعه پایدار شهری و ارتقای کیفیت زیست شهروندان نیز مورد توجه قرار گیرد. توسعه چشمگیر جمعیت شهرنشین و رقابت شدید آن با جهانی شدن، اقدامات ضروری را در زمینه مدیریت و تعامل انسان محیط، بویژه در جریان افزایش مصرف گرایی را طلب می‌نماید. مشکلی که امروزه در پیش روی برنامه‌ریزان شهری قرار دارد، چگونگی اعمال سیاست‌ها و برنامه‌های پایدار شهری و ترسیم جلوه‌های این پایداری در شهرهاست. نیل به چنین شرایطی، نیازمند جهت دادن به هدف‌ها و برنامه‌های اجرایی، اصلاح وضعیت ساختارها و مدیریت‌های مرتبط در اداره امور شهرهاست. به تعبیر دیگر سطح قابل قبول و بالای رشد اقتصادی و اشتغال، پیشرفت اجتماعی و حفاظت از محیط‌شهری جنبه‌های دیگر پایدار شهری را تشکیل می‌دهد. پایداری شهری یک برنامه پیشرفت اجتماعی است که می‌کوشد نیازهای ساکنان شهرها را بشناسد، از منابع محیطی حفاظت کند بهبود اقتصادی و اجتماعی حاصل از آن را در تمام سطوح شهری تعمیم دهد (Piroozbakht & et al 2012:21). در چند دهه اخیر پدیده تنزل کیفیت محیطی بر ساختار کهن شهرهای ایرانی سایه افکنده و پایداری درازمدت آن را با خطر مواجه ساخته‌است. انحطاط و پژمردگی نواحی بافت‌های فرسوده، در نتیجه دگرگونی در ساختارهای اقتصادی، هجاب جایی و جایگزینی‌های جمعیتی، ترک املاک و کاهش ارزش آنها افزایش مشکلات اجتماعی وجود می‌آید و در چنین شرایطی ارزش پذیری شهروندان ساکن بافت کاهش یافته و علاوه بر اینکه نیازهای اساسی آنها برآورده نشده؛ شهر و شهروند کنونی را با تهدید بسیار جدی «بحران هویتی، خودبیگانگی و سرگشتگی مواجه می‌سازد و مفهوم شهر «و زندگی شهری» را تنها در حد مکانی برای تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای مادی انسانی (تغذیه، مسکن و ...) در سطحی بسیار پایین تنزل می‌دهد. از این رو پرداختن به تئوریهای جدید شهر که هر یک با هدف حل مشکلات شهری، بهبود وضعیت کیفی و کمی زندگی شهروندان در شهرها، ارتقای کیفیت محیط شهر، مدیریت شهر، پیشبرد شهر به سوی مطلوب‌تر شدن و ... مطرح شده‌اند پیش از پیش مهم مینماید ( Abdollahi & et al., 2017).

امروزه نیمی از جمعیت کره زمین در مراکز شهری زندگی می‌کنند و این روند رشد شتابان شهرنشینی چالش‌های کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی، همچون کاهش منابع طبیعی، آلودگی‌ها، تسهیلات شهری نامناسب و توزیع نامتعادل خدمات شهری را به دنبال داشته و منجر به افت زیست‌پذیری شده است (Sasanpour, 2015). در حال حاضر جمعیت جهان ۷/۷ میلیارد نفر می‌باشد که نیمی از این مقدار در شهرها زندگی می‌کنند. از قرن گذشته روند شهرنشینی شدت رشد زیادی داشته و سالیانه با ۳/۵ درصد رشد افزایش داشته است (Pacion, 2009). پیش‌بینی‌ها بر این است که این مقدار تا سال ۲۰۲۵ به ۶۰ درصد افزایش یابد (Khan, 2007). زیست برای جمعیت مزبور به عنوان مسئله و چالش اساسی جامعه جهانی به ویژه در کشورهای در حال توسعه و جهان سوم گردیده است. مطالعات نشان می‌دهد که رشد شتابان جمعیت در مقیاس عام و جمعیت شهری در مقیاس خاص، بیشتر در کشورهای در حال توسعه آسیایی و

آفریقایی بوده و تا سال ۲۰۵۰ بیشترین افزایش جمعیت در نقاط ذکر شده خواهد بود. این شهرها با توجه به ماهیت خود به تدریج با مسائل مختلف اجتماعی، اقتصادی، فضایی، زیست محیطی دست به گریبان شده و در صورت عدم توجه به نقطه تراکم انبوه غیرقابل برنامه‌ریزی خواهند رسید. به طوری که در این وضعیت شهرها به شدت دچار اختلال گشته و با گسیختگی فضایی، تمرکز و تداوم فقر شهری، بروز ناپایداری اجتماعی، ایجاد محیط‌های ناسالم و خشن، ضعف در تأمین، توزیع و ارائه خدمات مختلف آموزشی، درمانی و فرهنگی مواجه خواهند شد. در این حالت شهرها قابلیت هرگونه اقدام را به دلیل تمرکز انبوه مسائل از دست داده و غیرقابل زیست می‌شوند (Soleimani mehranjani & et al., 2016). از آن زمان تاکنون، موج گسترده شهرنشینی و مشکلات آن همواره به طور فزاینده‌ای بر اهمیت زیست‌پذیری افزوده و چشم پوشی از آن را دشوار و غیرممکن کرده است (Soleimani mehranjani & et al., 2016). مجموعه عوامل فوق سبب شده است که زیست‌پذیری به جهت تهدیدهای پیش روی زندگی شهری اهمیت دوچندانی پیدا کند. محلات زیست‌پذیر، حس بیشتری از تعلق به جامعه و مکان را القا می‌کنند. کلان‌شهر شیراز با جمعیت ۱۶۰۰۰۰۰ نفر یکی از شهرهای پر جمعیت کشور است و مرکز استان فارس است. کلان‌شهر شیراز با چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی بسیاری مواجه است که زیست‌پذیری در این شهر را تحت تأثیر قرار داده است. محله قصردشت با قرارگیری در منطقه ۶ شهر شیراز به عنوان محله مورد مطالعه در این پژوهش با توجه به قدمت خود بافتی فرسوده دارد که می‌تواند باعث به وجود آمدن معضلاتی در شاخص‌های کالبدی جهت سرزندگی و زیست‌پذیری در محله را ایجاد کند. همچنین این محله با توجه به قرارگیری در محدوده باغات قصردشت می‌تواند تأثیر و اهمیت زیادی در ارتقا شاخص‌های زیست محیطی داشته باشد. این مطالعه به دنبال اثرگذاری شاخص‌های زیست‌پذیری در محله قصردشت شیراز و در آخر پیشنهادهایی در راستای ارتقای زیست‌پذیری در محله است. با توجه به موارد گفته شده پژوهش حاضر به دنبال دستیابی به اثرات شاخص‌های زیست‌پذیری در محله مورد مطالعه با توجه به سوالات زیر است:

۱. شاخص‌های زیست‌پذیری در محله قصردشت در چه سطحی قرار دارد؟

۲. در بین مؤلفه‌های زیست‌پذیری چه رابطه‌ای وجود دارد و کدامیک سهم و اثر نسبی بیشتری ایفا مینماید؟

## مبانی نظری

واژه زیست‌پذیری را اداره ملی هنر آمریکا در سال ۱۹۷۰ برای اولین بارو به منظور دستیابی به ایده‌های برنامه‌ریزی شهری مدنظر قرار داد (Larice, 2005). زیست‌پذیری در معنای اصلی و کلی خود به مفهوم دستیابی به قابلیت زندگی است و در واقع همان دستیابی به کیفیت برنامه‌ریزی شهری خوب یا مکان پایدار است. پیرامون مفهوم زیست‌پذیری بحث‌های گسترده‌ای در مورد پایداری، حمل و نقل، محیط‌های سرزنده، ابعاد مختلف جامعه و... می‌شود که نشان می‌دهد دستیابی به زیست‌پذیری شهری که به آن شهر موفق نیز می‌گویند، از طریق سرزندگی (محیطی)، پایداری اکولوژیکی، حل معضلات اجتماعی (فقر، اختلاف طبقاتی و...)، اقتصادی (بیکاری، اعتیاد و...)، زیست محیطی (کاهش آلودگی و...)، فرهنگی (بیسوادگی و...) حاصل می‌شود.

به طور کلی تعریف زیست‌پذیری و اجتماع زیست‌پذیر شامل مجموعه متنوعی از موضوعات مختلف است که به وسیله یک سری اصول راهنما بیان می‌شوند: دسترسی، برابری و مشارکت که مفاهیم مربوط به زیست‌پذیری بر مبنای آن‌ها شکل گرفته می‌گیرند. کیفیت زندگی شهروندان به میزان دسترسی آن‌ها به زیرساخت‌ها (حمل و نقل، ارتباطات، آب و بهداشت) غذا، هوای پاک، مسکن مناسب، شغل راضی‌کننده و فضای سبز و پارک‌ها بستگی دارد. زیست‌پذیری یک سکونتگاه همچنین به میزان دسترسی ساکنان آن به مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری در جهت تأمین نیازهایشان بستگی دارد (Timmer et al., 2005). شاید بتوان گفت اولین مفهوم زیست‌پذیری تحت عنوان «خیابان زیست‌پذیر» توسط دانلد ایلپارد در سال ۱۹۸۱ ارائه شده است لیکن ایلپارد به اتفاق آلن جیکوبز چندین هدف ضروری برای آینده یک محیط شهری را تحت عنوان زیست‌پذیری، هویت و کنترل، دسترسی به فرصت‌ها، تخیل و لذت، همستان و زندگی عمومی بیان داشت (Bandarabad, 2010). زیست‌پذیری یک معنای کلی است که با تعدادی از مفاهیم مانند پایداری، کیفیت زندگی، کیفیت مکان و اجتماعات سالم در ارتباط است (Norice, 2000). روت وینهوون معتقد است این که دقیقاً چه اجتماعی زیست‌پذیرتر است؟ کاملاً روشن نیست، اما قدر مسلم این است که مردم در اجتماعاتی که نیازهایشان بهتر برآورده گردد شادتر و راضی‌تر هستند زیست‌پذیری به معنی توانایی شهر یا ناحیه شهری بر حفظ و بهبود ظرفیت زیست و سرزندگی است (Rakhshanasab & Rahshidiyan, 2016). شهر زیست‌پذیر به عنوان اتصال بین گذشته و آینده مطرح است: شهر زیست‌پذیر شهری است که از نشان‌های تاریخ (محوطه‌ها، ساختمان‌ها، ساختارها) محافظت می‌کند. زیست‌پذیری راجع به فضاهای شهری دلپذیر و مطبوعی است که غنای فرهنگی خاصی عرضه می‌کنند. اصول کلیدی که به این امر عینیت می‌بخشد عبارت‌اند از: عدالت، کرامت، دسترسی، خوش‌مشربی، مشارکت و اختیار (Sioma & Timer, 2006).

در بیشتر متون مفهوم زیست‌پذیری با کیفیت زندگی به صورت مترادف بیان شده است (Sasanpour & et al., 2015). در صورتی که آنچه به عنوان سرزندگی از نظر لینچ در «شکل خوب شهر» به عنوان معیار بیان شده است در ترجمه واژه دیگر می‌باشد. در فرهنگ انگلیسی آکسفورد عبارت زیست‌پذیری به معنای «دارای ارزش زندگی» ذکر شده است. رابرت کوان (۲۰۰۵)، در فرهنگ شهرسازی در مقابل واژه زیست‌پذیر، «مناسب برای زندگی» و «فراهم آورنده کیفیت زندگی خوب» را تعریف می‌نماید (Victorian, 2008). با این حال کیفیت زندگی در هر مکان در مرکز توجه این مفهوم قرار دارد و شامل نماگرهای قابل اندازه‌گیری بسیار متنوعی است که معمولاً تراکم، حمل و نقل، امنیت و پایداری، اجزای ثابت آن را تشکیل می‌دهند. مردم و مکان دو سوی مفهوم زیست‌پذیری است (Larice, 2005). زیست‌پذیری منعکس‌کننده رفاه یک اجتماع محلی و دربرگیرنده بسیاری از خصوصیات است که یک مکان را به جایی تبدیل می‌کند که مردم تمایل به زندگی در حال و آینده دارند سکونتگاه زیست‌پذیر مکان مناسب برای کار و زندگی است (Neil & Goldman, 2005). در لغت نامه شهرسازی رابرت کوان سرزندگی و زیست‌پذیری در کنار هم آمده و اینگونه معنی شده است «نشاط و سرزندگی» ویژگی مراکز شهرهای کوچک و بزرگ موفق است. سرزندگی شهر بازتاب سطح شلوغی آن در اوقات مختلف روز و در بخش‌های مختلف است؛ در صورتیکه زیست‌پذیری میزانی برای سنجش ظرفیت آن برای جذب سرمایه برای بقا، بهبود و تطابق نیازهای متغیر است. فضای شهری سرزنده با توجه به تعاریف

ارائه شده در رابطه با فعالیت و سرزندگی، یک «فضای شهری سرزنده» عبارت است از یک فضای شهری که در آن حضور تعداد قابل توجهی از افراد و تنوع آن‌ها (به لحاظ سن و جنس) در گستره زمانی وسیعی از روز که فعالیت‌هایشان عمدتاً به شکل انتخابی یا اجتماعی بروز می‌یابد به چشم می‌خورد (Hallcity, 2000).

اگرچه تعاریف زیست‌پذیری از یک اجتماع به اجتماع دیگر متفاوت است، می‌توان از اهداف برنامه‌ریزی اجتماعی برای ایجاد معیارهای بومی زیست‌پذیری بهره‌گرفت زیست‌پذیری غالباً برای تعریف ابعاد مختلف اجتماع و تجربه‌های مشترک به کار گرفته می‌شود (Radcliffe, 2001). زیست‌پذیری بر روی تجربه انسان از مکان تمرکز نموده و این تجارب را در ظرف زمانی و مکانی مشخص در نظر می‌گیرد. زیست‌پذیری به عنوان یک مفهوم می‌تواند با توجه به بستر و زمینه‌ای که در آن تعریف می‌شود، بسیار گسترده و یا محدود باشد آنچه به عنوان زیست‌پذیری مطرح می‌شود، ترجمه فارسی انتخاب شده برای عبارت انگلیسی livability است، در نتیجه شهر زیست‌پذیر معادل عبارت (شهر قابل زندگی) آورده شده است تاکنون تعریف واحدی از مفهوم زیست‌پذیری ارائه نشده است (Southworth, 2004; Lebbay & Hashim, 2010). یکی از دلایل مهم چنین مسئله‌ای این است که زیست‌پذیری مفهومی پیچیده و درعین حال چندبعدی دارد (Knox, 2010). این مفهوم چندبعدی گاه با مفاهیم کیفیت زندگی، رفاه و رضایتمندی از شرایط زندگی دارای هم‌پوشانی‌های بسیاری است و جنبه‌های مختلفی نظیر مسائل مادی و غیرمادی را دربرمی‌گیرد (Dejian & Peter, 2009; Senleyer et al., 2010). برخی محققان معتقدند که زیست‌پذیری مفهومی پیچیده است که با تعدادی از مفاهیم و اصطلاحات دیگر مانند پایداری، کیفیت زندگی و کیفیت مکان و اجتماعات سالم در ارتباط است (Blassingame, 1998; Kenedy & Bios, 2010).

اگرچه زیست‌پذیری به عنوان یک مفهوم می‌تواند با توجه به بستر و زمین‌های که در آن تعریف می‌شود، بسیار گسترده و یا محدود باشد. با وجود این، کیفیت زندگی در هر مکان در مرکز این مفهوم قرار دارد و شامل نماگرهای قابل اندازه‌گیری بسیار متنوعی است که معمولاً تراکم، حمل و نقل، امنیت و پایداری اجزای ثابت آن را تشکیل می‌دهند (Progardo et al., 2007). ویلر بر این باور است که واژه زیست‌پذیری به صورت فزاینده به منظور توصیف شرایطی که کار می‌رود که ارتباط مستقیمی با کیفیت زندگی دارد (Wheeler, 2001). زیست‌پذیری شهری می‌تواند به عنوان کیفیت محیط شهری که نیاز انسان به امنیت اجتماعی، سلامت و رفاه در سطح فردی و اجتماع را فراهم می‌کند، تعریف شود (Saitluanga, 2014). زیست‌پذیری به معنی توانایی شهر یا ناحیه شهری بر حفظ و بهبود ظرفیت زیست و سرزندگی است (Rakhshanasab & Rahshidiyan, 2016). شهر زیست‌پذیر به عنوان اتصال بین گذشته و آینده مطرح است: شهر زیست‌پذیر شهری است که از نشان‌های تاریخ (محوطه‌ها، ساختمان‌ها، ساختارها) محافظت می‌کند. زیست‌پذیری راجع به فضاهای شهری دلپذیر و مطبوعی است که غنای فرهنگی خاصی عرضه می‌کنند. اصول کلیدی که به این امر عینیت می‌بخشد عبارت‌اند از: عدالت، کرامت، دسترسی، خوش‌مشربی، مشارکت و اختیار (Timer & Siota, 2006). با وجود این کیفیت زندگی در هر مکان مورد توجه است و شامل نماگرهای قابل اندازه‌گیری بسیار متنوعی است که معمولاً تراکم، حمل و نقل، امنیت و پایداری اجزای ثابت آن را تشکیل می‌دهند (Progardo et al., 2007). مردم و مکان دو سوی مفهوم زیست‌پذیری هستند، اما شاخص‌های زیست‌پذیری عمدتاً به بررسی مکان

می‌پردازند و نه اشخاص خصوصاً اینکه افراد دچار تغییر شده و در زمان دارای تحرک مکانی هستند. هیچ معیاری نمی‌تواند تصویر کاملی از زیست‌پذیری ارائه دهد. مضاف بر اینکه اتکای صرف بر داده‌های به دست آمده از مردم و یا مکان‌ها می‌تواند به گمراهی و دور شدن از هدف بی‌انجامد. به عنوان مثال افزایش درآمد در یک مکان مشخص در طی زمان ممکن است نشان دهنده افزایش بهزیستی اقتصادی باشد، اما ممکن است علت آن فرایند اصالت بخشی باشد که در جریان این فرآیند، مردم کم درآمد از مکان مورد نظر خارج شده و جای خود را به طبقه متمول داده‌اند (Larice, 2005). ایوانز در کتاب شهرهای زیست‌پذیر می‌گوید: سکه زیست‌پذیری دارای دو رو است روی اول آن معیشت و روی دوم آن پایداری بوم‌شناختی است. معیشت به معنای موقعیت شغلی که به اندازه کافی به مسکن مناسب و آبرومند نزدیک بوده و درآمد مناسب با کرایه‌ها و دسترسی به خدماتی که یک سکونتگاه را سلامت بخش می‌نماید است (Evance, 2012). همچنین معیشت باید پایدار باشد، زیرا در صورتی که منابع تولید کار و مسکن تأمین شوند، اما از روشی که موجب تخریب محیط شوند مشکل معیشت در واقع حل نشده است (Cedar Hill, 2008). زیست‌پذیری به سه بعد وابسته به هم تقسیم می‌شود: اقتصاد، اجتماع و محیط زیست. اقتصاد تأمین کننده مشاغل و درآمد بوده و برای سلامتی مردم حیاتی است (مثلاً در توان ایشان برای تأمین خوراک، پوشاک و مسکن) و همین طور برای تأمین نیازهای سطوح بالاتر مانند آموزش، بهداشت و تفریحات. همزمان باید استفاده اقتصاد از منابع موجود در محیط زیست به نحوی باشد که اطمینان از وجود منابع کافی برای نسل‌های حال و آینده وجود داشته باشد. اما بهزیستی اجتماعی وابسته به عدالت است: توزیع اجتماعی و فضایی منابع اقتصادی و زیست محیطی به نفع عادلانه، همچنین سیستم‌های حکومتی که همه شهروندان را محسوب می‌نماید. آزادی فردی و فرصت‌های برابر از اجزای مهم تشکیل دهنده بهزیستی اجتماعی هستند. محیط زیست، زیرساختی است که تأمین کننده منابع طبیعی، ظرفیت دفع زباله و ارتباط بین انسان و محیط طبیعی است. اگر کارکرد هر یک از این سه با اختلال مواجه گردد، سکونتگاه‌های انسانی می‌توانند به سرعت دچار اضمحلال شده و در نتیجه کاهش جمعیت، فقر، تضاد اجتماعی و بالا رفتن میزان مسائل بهداشتی، زیست محیطی از عواقب آن خواهد بود (Khorasani, 2010).

### پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی در داخل و خارج کشور در حوزه سنجش زیست‌پذیری صورت گرفته است که در ادامه به نمونه‌های از مطالعات انجام شده اشاره می‌شود.

### مطالعات خارجی

وان ولیت (۲۰۰۸) در اثری با عنوان ایجاد شهرهای زیست‌پذیر برای همه سنین، ابتکارات و استراتژی‌های درون نسلی، ابتدا توسعه در ارتباط با روند جمعیت جوان و الگوها و مسائل مرتبط با جمعیت جوان را مورد بحث قرار می‌دهد. آن ظهور معیارهای متداول برای ایجاد شهرهای دوستدار کودک را مورد بحث قرار می‌دهد و همچنین ویژگی‌های عمده این شهر که با شهر دوستدار سالمند همپوشانی دارد را مورد بحث قرار می‌دهد و در این راستا نمونه‌های مشابه از اطراف جهان ذکر می‌کند و چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو برای ایجاد شهر زیست‌پذیر را برای همه سنین مورد توجه قرار می‌دهد.



واحدهای اطلاعات اکونومیست (۲۰۱۰) در پژوهشی تحت عنوان شهرهای زیست‌پذیر، چالش‌ها و فرصت‌هایی برای سیاست‌گذاران؛ در این گزارش آخرین افکار و اندیشه‌ها را در ارتباط با شهرهای زیست‌پذیر تجزیه و تحلیل می‌کند. بررسی جهانی از شهرهای حرفه‌ای نشان می‌دهد، افراد در این شهرها بیشترین رضایت را از کیفیت زندگی داشته و درباره آینده خود خوش بین هستند اما آنها تردید دارند که زیر ساخت‌ها و خدمات عمومی در سال‌های آتی با در نظر گرفتن رشد جمعیت این شهرها کافی باشند.

اریک آلیسون و لارن پیترز (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان حفاظت مراکز تاریخی و شهرهای زیست‌پذیر؛ علاوه بر اینکه ۱۰ شهر زیست‌پذیر جهان در سال ۲۰۱۰ معرفی نموده اند، شاخص‌های شهر زیست‌پذیر را در چهار مقوله: مراکز شهری، واحدهای همسایگی، مسکن مناسب و گردشگری طبقه‌بندی کردند که برنامه‌های مانند موسیقی و مناظر سرگرمی و تفریحی در مراکز شهری، مهمترین مزیت را به همراه دارد. همچنین گردشگری در مکانهای تاریخی، از دیگر ابزارها برای توسعه مراکز شهری محسوب می‌شوند. در این کتاب اشاره شده که مکان‌های تاریخی و قدیمی شهر، جذابتر و قابل دسترس‌تر و مورد علاقه بیشتر افراد برنامه‌ریزی کنند و در این زمینه تورهای مشخص پیاده روی در این مراکز توسعه پیدا کنند. همچنین تخصیص اعتبار به منظور حفاظت و زیست‌پذیری مراکز تاریخ و قدیمی شهر، در این برنامه‌ریزی نقش حیاتی دارد.

هلدن و سکری (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان مقایسه زیست‌پذیری در ونکوور و ملبورن می‌پردازند و از مقایسه دو شهر ملبورن و ونکوور به این نتیجه می‌رسند که این دو شهر برای ایجاد شهر زیست‌پذیر مسیرهای یکسان و مشابهی داشته اند و به عواملی مثل: دسترسی آسان و پیاده، تنوع کاربری‌ها، مشارکت شهروندان توجه زیادی نموده اند.

شوهانا و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی تحت عنوان «زیست‌پذیری مرکز شهر کوالالمپور: ارزیابی سطح رضایت از فعالیت‌های خیابان» به نقش و تأثیر فعالیت‌های موجود در خیابان‌ها بر زیست‌پذیر ساختن شهر و سطح رضایت ساکنین خیابان‌ها از فعالیت‌های جاری در آن می‌پردازد. در این پژوهش با استفاده از تکنیک روش شناسی ترکیبی و از طریق پرسش‌نامه، مصاحبه از ساکنان و مشاهدات میدانی انجام شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد اگرچه میان زیست‌پذیری خیابان و فعالیت‌های آن رابطه وجود دارد اما ارتباط مشخصی میان مدت اقامت ساکنین خیابان با سطح رضایت آن‌ها نسبت به فعالیت‌های خیابانی وجود ندارد.

ساتو (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی زیست‌پذیری در واحدهای همسایگی متراکم در داکا پرداخته است. که نتایج آن بیانگر این امر است که به طور کلی زیست‌پذیری تحت تأثیر تراکم نمی‌باشد و برنامه‌ریزی‌ها باید در جست‌وجوی ایجاد زیست‌پذیری بهتر باشد. همچنین در کنار تراکم، موقعیت و قدمت واحدهای همسایگی و شبکه دسترسی آنها به عنوان مهمترین عواملی می‌باشند که زیست‌پذیری را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در مناطق برنامه‌ریزی شده شرایط زیست‌پذیری مناسب‌تر از مناطق بدون برنامه‌ریزی می‌باشد.

بدلند و همکاران (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای با عنوان زیست‌پذیری شهری، درس‌هایی از استرالیا برای کشف شاخص‌های اندازه‌گیری سلامت اجتماعی ۱۱ حوزه در ارتباط با سلامت و رفاه تأیید شده شامل مسکن، تفریح و فرهنگ، غذای محلی و دیگر کالاها، محیط طبیعی، فضای باز عمومی، حمل و نقل و انسجام اجتماعی و دموکراسی محلی را بررسی کردند.

واحدهای اطلاعات اکونومیست (۲۰۱۵) در پژوهشی تحت عنوان بررسی اجمالی و رتبه‌بندی شهرهای قابل زیست به ارزیابی عوامل مؤثر بر پیاده سازی شهرهای زیست‌پذیر پرداخته است. در این پژوهش با ارزیابی نظرات و پیشنهادها شهروندان در قالب فاکتورهای زیرساخت‌ها، آموزش، فرهنگ- محیط زیست، بهداشت و درمان و پایداری به ارزیابی شهرهای زیست‌پذیر پرداخته و از این رهگذر شهرهای ملبورن، وین و نکوور را زیست‌پذیرترین شهرهای دنیا دانسته اند زیرا این شهرها در زمینه ترفیع معیارها فاکتورهای فوق، گام‌های اساسی را برداشته اند.

مسیماکی و همکاران (۲۰۱۷) تحقیقی در مورد فضاهای جدید برای زیست‌پذیری شهری در کلان شهر هلسینکی پایتخت کشور فنلاند انجام دادند. در این تحقیق نظرات مردم را در رابطه با زیرساخت سبز جویا شدند. هدف از این مقاله ارائه بینشی بود که مردم در درون محیط‌های شهری پیشبینی می‌کنند که زیرساخت سبز جدیدی را در نظر بگیرند و دامنه معانی و ارزش‌های مردم را به این نوع زیرساخت‌های سبز پیوند دهند. بنابراین از مردم خواسته شد تا تصورات خود را در مورد پشت بام‌های سبزی که هنوز در مناطق مختلف شهری ایجاد نشده را بیان کنند. بر اساس نتایج پیشنهادشده که هنگام طراحی سقف سبز شهری به طور کلی نه تنها به تجارب و نیازهای مردم و لذت بصری احتیاج داریم همچنین، راه حل‌های خاص سایت و کاربر باید به جای آنهایی که به طور معمول اعمال می‌شوند، باید در نظر گرفته شوند. بنابراین این نوع شناخت امکان‌ها برای اجرای موفق سقف‌های سبز در برنامه‌ریزی شهری حیاتی است.

### مطالعات داخلی

زیست‌پذیری شهری یکی از بزرگترین انگاره‌های برنامه‌ریزی شهری دوران معاصر است که هدف آن مطلوب کردن شرایط زندگی در بین تمامی ساکنین است (نوریان و همکاران، ۱۳۹۷).

ساسان پور و همکاران (۱۳۹۲): در پژوهشی به «قابلیت زیست‌پذیری شهرها در راستای توسعه پایدار شهری مورد مطالعه کلان‌شهر تهران» به این نتیجه رسیدند که زیست‌پذیری و توسعه پایدار مفاهیم و رویکردهایی هستند که در نهایت، شهری به دور از مشکلات زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی را برای شهروندان به ارمغان می‌آورند. در پایان زیست‌پذیری کلان‌شهر تهران در سه بعد اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی در حد متوسط رو به پایین ارزیابی شده اند که با این روند به سمت توسعه پایدار پیش نخواهد رفت.

ایراندوست و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «شاخص زیست‌پذیری در محیط‌های شهری (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهر مقدس قم) براساس روشی تحلیل - توصیفی به این نتیجه دست یافته اند که باید سیاست‌هایی برای تمرکززدایی فعالیت‌ها، تغییر در سیاست‌های توسعه مبتنی بر خودرو محوری صورت گیرد.

پری خواه، سعید نیا و بندرآباد (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «سنجش رضایتمندی از کیفیت زندگی مبتنی بر اصول زیست‌پذیری شهری نمونه موردی: منطقه ۸ شهرداری شیراز - محله موردستان «براساس روشی تحلیلی-کاربردی به این نتیجه دست یافته اند که رضایت مطلوبی از مؤلفه‌های مورد بررسی در محدوده مورد مطالعه وجود ندارد.

بندرآباد و احمدی نژاد (۱۳۹۳): در پژوهشی تحت عنوان «ارزیابی شاخص‌های کیفیت زندگی با تاکید بر اصول شهر زیست‌پذیر در منطقه ۲۲ تهران» با استفاده از مدل تاپسیس به ارزیابی میزان زیست‌پذیری شهرک گلستان در قالب دو بعد عینی و ذهنی در قلمروهای اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیباشناختی، دسترسی و حمل و نقل و خدمات شهری

پراخته اند نتایج این مطالعه می‌دهد هر یک از این شاخص‌ها از نظر شهروندان سهم متفاوتی در تحقق‌پذیری شهرهای زیست‌پذیر دارند. بعلاوه، میزان رضایت کلی در همه قلمروهای انتخاب شده شاخص  $0/51$  را نشان می‌دهد که با توجه به طیف لیکرت شهرک گلستان در وضعیت متوسط قرار دارد.

ساسان پور و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به «سنجش و ارزیابی زیست‌پذیری شهری در مناطق بیست و دوگانه کلان‌شهر تهران» با استفاده از آزمونهای آماری پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش حاکی است که در میان مناطق ۲۲ گانه، مناطق یک و سه شهر تهران از بیشترین میزان زیست‌پذیری نسبت به دیگر مناطق برخوردار هستند. همچنین استانداردهای زندگی که بیانگر قابلیت زندگی بهتر و با کیفیت تری می‌باشد در مناطق یک و سه کلان‌شهر تهران وضعیت مطلوب تری دارد. در مقابل منطقه بیست که استانداردهای زندگی در آن حداقل می‌باشد؛ قابلیت زندگی غیر قابل قبولی را برای ساکنانش به همراه دارد.

شماعی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان تحلیل زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهر زنجان پرداخته‌اند که نتایج به دست آمده از تحلیل بار عاملی نشان داد که زیر شاخص‌های مدیریتی، سهم بیشتری در تأثیرگذاری بر میزان زیست‌پذیری بافت فرسوده شهر زنجان دارد. همچنین تحلیل نتایج رگرسیونی زیست‌پذیری بافت فرسوده شهر زنجان نشان دهنده این نکته است که در بین عوامل زیست‌پذیری بافت فرسوده شهر زنجان بیشترین مقدار هم‌بستگی را شاخص اجتماعی داشته‌است.

جمال محمدی و همکارانش (۱۳۹۵) در پژوهش خود تحت عنوان «ارزیابی و تحلیل مؤلفه‌های زیست‌پذیری کلان‌شهر تهران» با استفاده از تحلیل‌های آزمون T تک نمونه‌ای، آزمون تحلیل واریانس و تحلیل مسیر در نرم افزار اسپاس مورد تجزیه و تحلیل آماری استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان داد در بین مؤلفه‌های زیست‌پذیری در کلان‌شهر تهران، شاخص کالبدی با مقدار آماره  $t = 378/0$  ضعیف‌تر از سایر شاخص‌ها قرار دارد. شاخص اقتصادی نیز با آماره  $1/775$  در وضعیت بهتری از شاخص‌های دیگر است. بعد از آن شاخص‌های اجتماعی با آماره  $0/440$  و زیست محیطی با آماره  $0/481$  در رتبه‌های بعدی قرار دارند همچنین نتایج نشان داد شرایط زیست‌پذیری یکسان نیست و بین مناطق شهر تهران مورد مطالعه از نظر تفاوت شاخص زیست‌پذیری تفاوت معناداری دیده می‌شود.

پریزادی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان سنجش زیست‌پذیری محلات منطقه ۱۷ شهرداری تهران به ابعاد شش گانه شامل بعد زیست محیطی، بعد الگوی تاریخی، بعد سیاست‌های مدیریت شهری، بعد اجتماعی، بعد خدمات، فعالیت و امکانات شهری. بعد اقتصاد شهری در قالب ۲۰ شاخص و ۹۴ گویه مورد تحقیق قرار داده است. یافته‌ها نشان دهنده نامطلوب بودن وضعیت زیست‌پذیری و ابعاد آن در سطح منطقه می‌باشد.

ملک حسینی و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهش خود به ارزیابی زیست‌پذیری شهر کرمانشاه با هدف قابلیت سنجی شاخص‌های زیست‌پذیری در شهر کرمانشاه پرداخته است. با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای به ارزیابی مجموع شاخص‌های زیست‌پذیری پرداخته است که نتایج آن با میانگین  $(2/72)$  پایین‌تر از حد متوسط و بعد اجتماعی با میانگین  $(3/15)$  در وضعیت مطلوبی واقع شده است.

علی اکبری و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی تحت عنوان «مدل سازی ساختاری - تفسیری عوامل مؤثر بر

زیست‌پذیری کلان‌شهر تهران» به این نتیجه رسیده‌اند که بعد اقتصادی زیست‌پذیری شامل شاخص‌های اشتغال و درآمد پایدار، مسکن مناسب و توزیع عادلانه امکانات و خدمات زیرساختی مشترکاً با میزان قدرت نفوذ ۳ و با بیشترین تأثیر، محرک و برانگیزاننده زیست‌پذیری در کلان‌شهر تهران به شمار می‌روند.

خراسانی و ضرغام فرد (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل اثرات عوامل فضایی بر زیست‌پذیری روستاهای پیرامون شهری» ضمن بررسی ادبیات نظری زیست‌پذیری و عوامل موثر بر آن با استفاده از مدل معادلات ساختاری و نرم افزار لیزرل به تجزیه و تحلیل فاکتورهای فضایی در مقیاس محلی و منطقه‌ای بر زیست‌پذیری روستاهای اطراف شهرستان ورامین در استان تهران پرداخته‌اند و دریافته‌اند که بین عوامل فضایی و شاخص رفاه در روستاهای انتخاب شده رابطه معناداری وجود دارد.

خراسانی (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای به تحلیل و ارزیابی تطبیقی دیدگاه ساکنان و مدیران محلی در رابطه با زیست‌پذیری روستاهای پیرامون شهری در شهرستان ورامین پرداخته که نتایج نشان می‌دهد که در مجموع زیست‌پذیری در این روستا در شرایط متوسط است و همچنین ابعاد اقتصادی و اجتماعی زیست‌پذیری در سطح روستا در سطح متوسط و در بعد زیست محیطی در وضعیت نامطلوب قرار دارد و زیست‌پذیری این روستاها از نظر ساکنان و مدیران محلی از تفاوت معناداری برخوردار است.

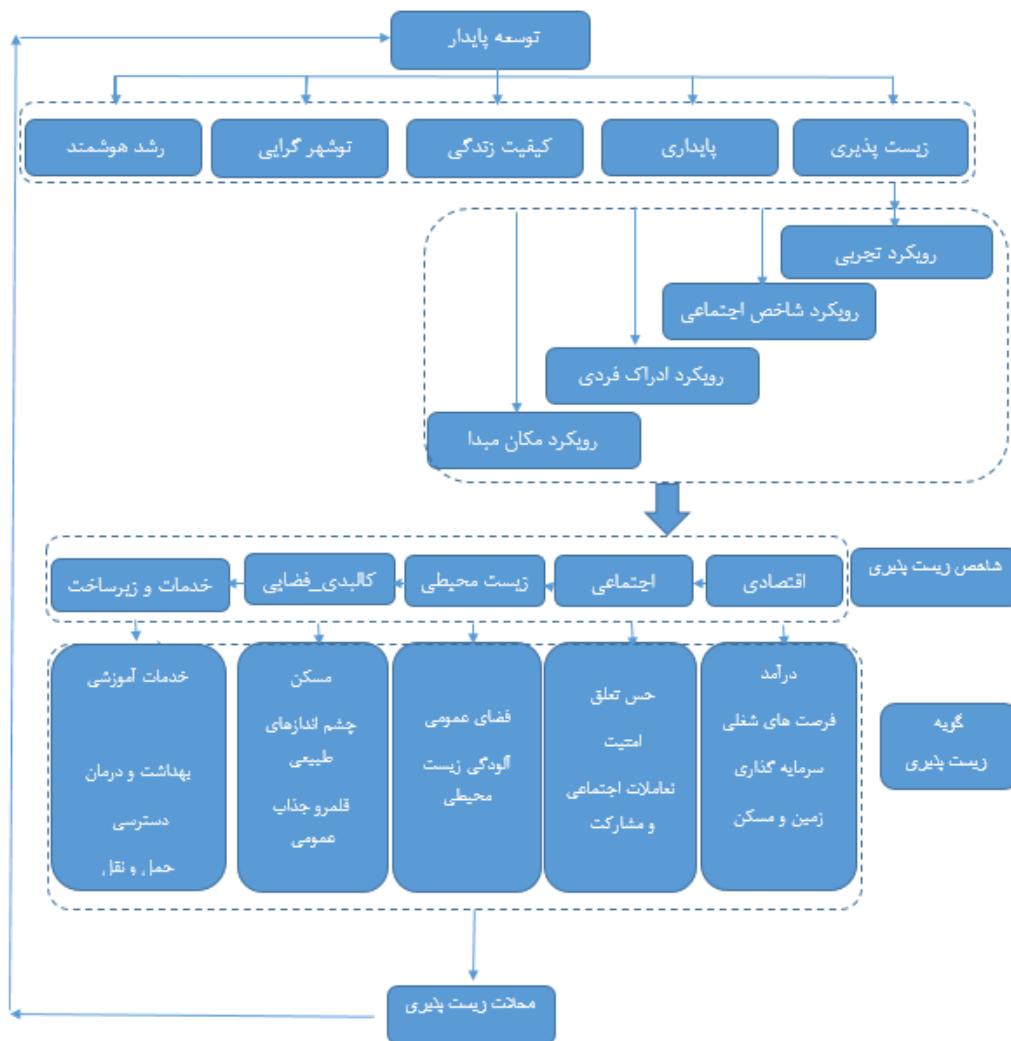
زیاری، سالاری مقدم و حاتمی نژاد (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان «سنجش و ارزیابی زیست‌پذیری محلات شهری مطالعه موردی: منطقه ۱۵ کلان‌شهر تهران» به منظور سنجش وضعیت شاخص‌های زیست‌پذیری از نظر ساکنان در منطقه با استفاده از آزمون T تک نمونه‌ای به ارزیابی میزان زیست‌پذیری در ابعاد پنج‌گانه زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، کالبدی و مدیریتی پرداخته‌اند. بعد مدیریتی با امتیاز  $1/78$  و بعد اجتماعی - فرهنگی با امتیاز  $2/81$  به ترتیب دارای بدترین و بهترین وضعیت زیست‌پذیری در محله بوده‌اند. و از تکنیک AHP به منظور وزن دهی معیارها و تکنیک کوپراس به منظور رتبه‌بندی محله‌های منطقه ۱۵ شهر تهران از نظر شاخص‌های زیست‌پذیری بهره گرفته است.

محمد رحیم رهنما و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان «ارزیابی و سنجش زیست‌پذیری شهری در کلان‌شهر اهواز» با استفاده از روش‌های آنتروپی‌شانون و روش تصمیم‌گیری چند معیاره ویکور (VIKOR) مناطق ۸ گانه شهر اهواز ارزیابی و رتبه‌بندی می‌کند و نتایج تحقیق نشان می‌دهد، منطقه سه شهر اهواز دارای بیشترین میزان زیست‌پذیری و منطقه پنج شهر اهواز دارای کمترین میزان زیست‌پذیری نسبت به سایر مناطق هستند. برای روشن‌تر شدن وضعیت هریک از مناطق مورد مطالعه کل مناطق در سه طیف دسته‌بندی شدند. در مجموع سه منطقه شهر دارای وضعیت مطلوب، یک منطقه نیمه مطلوب و چهار منطقه دارای وضعیت نامطلوب بودند.

### چار چوب نظری تحقیق

به طور خلاصه چارچوب نظری زیست‌پذیری را می‌توان طبق مدل مفهومی پژوهش شکل ۱ نشان داد و این گونه تفسیر کرد که برنامه‌ریزی مدرنیستی و ظهور شهرهای ناپایدار باعث مطرح شدن نظریه توسعه پایدار گردید که این نظریه خود باعث شکل‌گیری بستر و دیدگاه‌های زمینه ساز برای رسیدن به شهرسازی پایدار شد و در این بین از دهه ۱۹۸۰ در

واکنش به گسترش حومه و افت مرکز شهرها زیست‌پذیری به طور گسترده‌ای توسط محققان و سازمانها بکار گرفته شد و به عنوان یک رویکرد میان رشته‌ای، با دو بعد عینی و ذهنی فرآیند مسئله‌گشایی که منجر به کالبد قابل سکونت، اقتصادی بادوام، اجتماعی هم‌پیوست و محیط زیست پاک از طریق ارتقای کیفیت زندگی انسان را فراهم ساخته است. با توجه به مطالعات صورت گرفته و شاخص زیست‌پذیری، مدل مفهومی تحقیق از دیدگاه این مقاله به شرح زیر است:



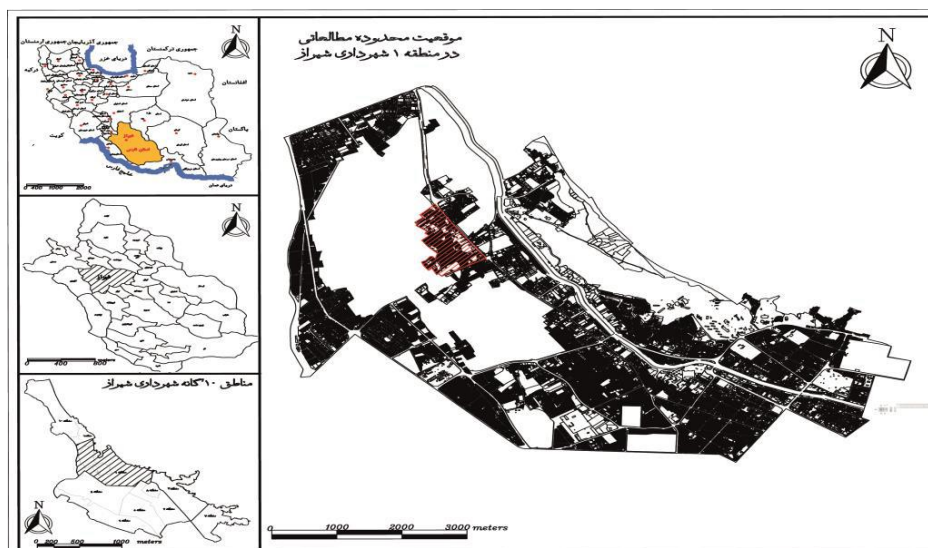
شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

## روش پژوهش

### محدوده مورد مطالعه

شهر شیراز با جمعیت ۱۵۸۷۰۰۰ نفر در جنوب غربی کشور ایران و مرکز استان فارس قرار دارد و مساحت آن بالغ بر ۲۱۷ کیلومتر مربع است. شیراز دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است. باغهای خاص، آب و هوای بی‌نظیر، گردشگاه‌های طبیعی و آثار باستانی منحصر به فرد از آن جمله هستند؛ اما وجود محله‌های قدیمی خاص نیز از ویژگی‌های جالب و

منحصر به فرد آن به شمار می‌رود. محله‌ی قصردشت یکی از محله‌های قدیمی شیراز است که در طول سالیان گذشته دچار فرسودگی شده است. محدوده قصردشت دارای ۴۰۰۶۱۶ متر مربع است که مساحت پر آن ۱۶۵۰۲۶ متر مربع است (شکور و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۱).



شکل ۲. موقعیت قرار گیری محله قصرودشت در محدوده شهر شیراز

## روش کار

این پژوهش در نظر دارد تا وضعیت زیست‌پذیری شهری در محله قصردشت شهرشیراز را سنجش و ارزیابی کند. متد پژوهش توصیفی - تحلیلی و از لحاظ هدف، از نوع تحقیقات کاربردی است. گردآوری اطلاعات مورد نیاز پژوهش از طریق مطالعات دقیق کتابخانه‌ای (استفاده از اسناد و مدارک) به منظور فراهم ساختن مبانی تئوریک و در چارچوب روش کمی بر تکنیک پیمایش (مشاهده مستقیم، پرسش‌نامه و مصاحبه) استوار است. به منظور سنجش روایی و پایایی پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ بهره گرفته شد که در نهایت این مقدار ۰/۷۹ به دست آمد که نشان از روایی مناسب در پرسش‌نامه‌ها دارد. جامعه آماری با توجه به جمعیت محله تعیین و برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که تعداد ۳۷۸ پرسش‌نامه طبق فرمول جهت انجام تحلیل‌های آماری محاسبه به روش تصادفی ساده توزیع گردید. در این بررسی برای سنجش وضعیت شاخص‌های زیست‌پذیری از نظر ساکنان در محله با استفاده از رگرسیون و آزمون T تک نمونه‌ای به ارزیابی شاخص‌های زیست‌پذیری در ابعاد پنج گانه زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی - فضایی، خدمات و زیرساخت پرداخته و به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

## یافته‌های پژوهش

### یافته‌های توصیفی

بررسی ویژگی‌های فردی پاسخگویان نشان می‌دهد که از مجموع ۳۷۸ نفر، ۷۵/۶۳ درصد را مردان و نیز ۲۴/۳۷ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. از لحاظ میزان تحصیلات ۸/۴۳ درصد تحصیلات ابتدایی، ۱۷/۸۱ درصد راهنمایی، ۳۳/۴۴ درصد

تحصیلات متوسطه و نیز ۴۰/۳۱ درصد تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند. همچنین از لحاظ وضعیت شغلی ۳۰/۶۳ درصد در مشاغل دولتی، ۴۰/۳ درصد در مشاغل خدماتی و ۲۹/۳۷ درصد در مشاغل آزاد فعالیت داشته‌اند.

### یافته‌های تحلیلی

در این قسمت به تحلیل وضعیت زیست‌پذیری، روابط بین مؤلفه‌های زیست‌پذیری در محله قصر دشت از دیدگاه جامعه نمونه پرداخته می‌شود:

### وضعیت زیست‌پذیری در محله

در راستای سنجش وضعیت زیست‌پذیری محله از نگاه جامعه نمونه از روش T تک نمونه‌ای استفاده شده است. همان‌گونه که جدول (۱) نشان می‌دهد میانگین زیست‌پذیری در محله برابر ۳/۶۳ است که این مقدار از میانگین ملاک که عدد ۳ است اختلاف معناداری دارد ( $T=۲۲/۱۳۷$ ،  $p\text{-value}=۰/۰۰۰۱$ ) بر این اساس می‌توان گفت زیست‌پذیری در محله بر اساس دیدگاه جامعه نمونه بالاتر از حد متوسط قرار دارد. همچنین به تفکیک هر یک از مؤلفه‌ها نیز محاسبات بیانگر آنست که در هر ۵ مؤلفه در نظر گرفته پژوهش، مقدار میانگین محاسبه شده بالاتر از حد متوسط بوده که این محاسبات معنادار است ( $p\text{-value} < ۰/۰۵$ ).

جدول ۱. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای وضعیت زیست‌پذیری در محله (میانگین ملاک=۳)

مؤلفه	تعداد نماگر	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار T	سطح معناداری
اقتصادی	۴	۳/۶۸	۰/۶۹۸	۱۸/۹۶۶	۰/۰۰۰۱
کالبدی	۳	۳/۴۰	۰/۸۷۲	۹/۰۱۵	۰/۰۰۰۱
زیست محیطی	۳	۳/۳۱	۰/۹۰۶	۶/۷۷۰	۰/۰۰۰۱
اجتماعی	۴	۳/۵۸	۰/۶۴۹	۱۷/۳۵۷	۰/۰۰۰۱
زیرساخت و خدمات	۴	۴/۰۵	۰/۶۵۶	۳۱/۲۱۸	۰/۰۰۰۱
کل	۱۸	۳/۶۳	۰/۵۵۷	۲۲/۱۳۷	۰/۰۰۰۱

### بررسی رابطه بین مؤلفه‌های زیست‌پذیری

بر اساس نتایج حاصل از ضریب همبستگی در بررسی روابط بین پنج مؤلفه زیست‌پذیری همان طوری که در جدول (۲) آورده شده است، ملاحظه می‌شود ارتباط مثبت و معناداری بین شاخص‌های مورد بررسی وجود دارد ( $p\text{-value} < ۰/۰۵$ ) به طوری که با افزایش هر یک از مؤلفه‌ها، دیگر مؤلفه‌های زیست‌پذیری نیز افزایش پیدا کرده است. همچنین نتایج نشان از آن دارد که در بین مؤلفه‌ها بیشترین همبستگی بین مؤلفه‌های کالبدی و زیست محیطی مشاهده می‌شود ( $r=۰/۷۹۶$ ،  $p\text{-value}=۰/۰۰۰$ ) و کمترین همبستگی بین زیست محیطی با زیر ساخت و خدمات ( $r=۰/۱۶۲$ ،  $p\text{-value}=۰/۰۱۴$ ) مشاهده می‌شود.

جدول ۲. نتایج ضریب هم‌بستگی پیرسون درباره رابطه بین مؤلفه‌های زیست‌پذیری

زیست محیطی	اقتصادی	کالبدی	اجتماعی	زیرساخت و خدمات
				اقتصادی
		۱		کالبدی
		۰/۶۱۱**		زیست محیطی
	۱	۰/۷۹۶**		اجتماعی
	۰/۵۵۲**	۰/۵۰۷**		زیرساخت و خدمات
۱	۰/۵۱۳**	۰/۲۵۳**		
	۰/۵۶۸**	۰/۱۶۲*	۰/۲۱۰**	

\* و \*\* به ترتیب معناداری در سطح ۹۵ درصد و ۹۹ درصد

### بررسی تأثیر هر یک از مؤلفه‌ها در میزان زیست‌پذیری محله

به منظور بررسی تأثیر و اهمیت نسبی مؤلفه‌های ۵ گانه در میزان زیست‌پذیری محله از آزمون رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. نتایج آزمون رگرسیون خطی چند متغیره نشان می‌دهد مدل برآورد شده از نظر آماری معنادار است چرا که مقدار آماره T برابر ۲۳/۳۹۸ و مقدار سطح معناداری آن برابر ۰/۰۰۰ است مقدار ضریب تعیین برابر ۰/۷۵ است که نشان می‌دهد ۷۵ درصد از تغییرات زیست‌پذیری توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌گردد. از یافته‌های مربوط به ضرایب برآورد شده چنان برمی‌آید که تمامی مؤلفه‌ها اثر معنادار و مثبت بر زیست‌پذیری دارند ( $p\text{-value} < 0/05$ ).

جدول ۳. آزمون رگرسیون چندمتغیره از تأثیر شاخص‌ها بر زیست‌پذیری

R <sup>2</sup>	F	Sig	T	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	شاخص‌ها
				B	Std. error	Beta	
۰/۷۵	۲۳/۳۹۸	۰/۰۰۰	۴/۱۴۳	۰/۱۳۹	۰/۰۲۴	۰/۰۹۹	زیست محیطی
				۰/۱۷۰	۰/۰۲۵	۰/۰۹۷	کالبدی
				۰/۲۳۹	۰/۰۲۴	۰/۱۳۱	زیر ساخت و خدمات
				۰/۲۵۶	۰/۰۲۹	۰/۱۹۶	اقتصادی
				۰/۳۸۰	۰/۰۲۴	۰/۲۸۹	اجتماعی

### نتیجه‌گیری

توسعه شهری نیازمند مؤلفه‌های مختلفی است که از جمله آنها رویکرد زیست‌پذیری است. این مؤلفه را می‌توان زیربنای دیگر رویکردهای برنامه‌ریزی شهری در توسعه شهری قلمداد نمود. در پژوهش حاضر با انتخاب ۱۸ گویه در قالب پنج مؤلفه اصلی به بررسی و شناخت وضعیت شاخص‌های زیست‌پذیری که زندگی ساکنین را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد پرداخته شد. تحلیل نتایج نشان می‌دهد که زیست‌پذیری در محله قصردشت بالاتر از حد متوسط قرار دارد. بررسی هم‌بستگی بین ۵ مؤلفه اصلی زیست‌پذیری نشان داد که در بین آنها رابطه معنادار مستقیم آماری وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که در بین پنج مؤلفه کالبدی، زیست محیطی، زیر ساخت و خدمات، اجتماعی و اقتصادی در میزان زیست‌پذیری محله، بیشترین سهم مربوط به مؤلفه زیست محیطی با کالبدی با میزان (با مقدار ۰/۷۹۶) است.



بنابراین با توجه به ضریب هم‌بستگی پیرسون مشخص شد هر چه میزان عوامل مذکور بالا باشد به همان اندازه زیست‌پذیری در محله افزایش می‌یابد. شایان ذکر است که نتایج بیانگر آن بود که در بین این عوامل بیشترین میزان هم‌بستگی مربوط به رضایت از شاخص زیست محیطی بود به طوری که با بالا رفتن میزان شاخص زیست محیطی رضایت از زیست‌پذیری در افراد بالا می‌رود. در پژوهشی که علی اکبری و اکبری در سال (۱۳۹۵) با استفاده از مدل سازی تفسیری - ساختاری انجام دادند متغیرهایی همچون حمل و نقل عمومی و بهداشت محیطی اشتغال و درآمد پایدار، مسکن مناسب، توزیع عادلانه امکانات و خدمات زیرساختی را بامیزان تأثیرگذاری بسیار بالا در زیست‌پذیری کلان‌شهر تهران به‌عنوان متغیرهای کلیدی شناسایی کرده بودند با یافته‌های این پژوهش می‌تواند همسوز باشد. در پایان با توجه به نتایج به‌دست آمده و بازدیدهای میدانی محله قصردشت عمدتاً بافتی فرسوده دارد که در جهت بهبود زیست‌پذیری کالبدی بهسازی و نوسازی بافت فرسوده محله توصیه می‌شود. هم‌چنین با بهره‌گیری از چشم‌انداز محله و وجود باغات با احداث پیاده‌راه‌ها و باغات خانواده می‌توان شاخص اجتماعی زیست‌پذیری را که در این پژوهش در سطح نازلی قرار دارد را بهبود بخشید.

## References

- Abdollahi, A., Hassanzadeh, M. (2017). Identification and Prioritizing Building Indices of Urban Planning in Urban Life Capability (Case Study: Four Regions of Kerman). *Journal of Urban Social Geography*, 3(4), 103-123. (in Persian)
- Ahadnejhad Roshti, M., Sajadi, J. (2019). Evaluation of urban livability indicators, case study: Zanjan city region. *Regional Planning marvdasht*, 9(34), 132-148. (in Persian)
- Akbari, M., Boostan Ahmadi, V., Moosavi, C., Hajipoor, N. (2018). Assessment of the Livability of Metropolitan Areas of Shiraz from the Perspective of Citizens. *Social Development & Welfare Planning*, 10(37), 124-154. (in Persian)
- Bandarabad, A., Ahmadinezhad, F. (2014). Assessment of quality of life with emphasis on the principles of habitable cities in the region 22 of Tehran. *Journal of Urban research and planing, Marvdasht*, 5(16), 55-74. (in Persian)
- Blassingame, L., (1998), "Sustainable cities: oxymoron, utopia, or inevitability?" *Social Science Journal*, 35: 1-13.
- Cedar Hill muni ci pality (2008), city of cedar Hill comprehensives plan2008 chapter 5: livability, pp. 5-1 to 5-2.
- Dajian, P., & Peter, R. P. (2010). World Expo and urban life quality in Shanghai in terms of sustainable development. *Chinese Journal of Population, Resources and Environment*, 4(1), 247-67.
- Economist, (2011). Liveanomics Urban liveability and economic growth. Economist Intelligence Unit.

- Irandoost, Kyomarth, Isa Lu, Ali Asghar. and Shah Moradi, Behzad, (2014). Livability index in urban environments (case study: the central part of the holy city of Qom), *Journal of Urban Economics and Managemen*, 4(13), 101-118. (*in Persian*)
- Ismaili, Ali Akbar, Akbari Majid (2016). Interpretive structural modeling of factors affecting the livability of Tehran metropolis, *The Journal of Spatial Planning* , (1), 1-31. (*in Persian*)
- Knox, P.L. (2011). *Cities and design*. Abingdon: Routledge.
- Larice, Michael. (2005) *Great Neiborhoods: The Livability and morphology of High density neighborhoods in Urban North America*, Doctor of Philosophy in City and Regional Planning, University of California, Berkeley.
- Lau Leby, J. Hariza Hashim, A. (2010). Liveability Dimensions and Attributes: Their Relative Importance in the Eyes of Neighbourhood Residents. *Journal of Construction in Developing Countries*, 15(1): 67–91
- Leby, J. L. & Hashim, A. H., )2010(. “Liveability Dimensions and Attributes: Their Relative Importance in the Eyes of Neighborhood Residents”, *Journal of Construction in Developing Countries*, 12 (1), 76–31,
- Liveability ranking and overview, London, England.
- Mohammadi, J., Warsi, H. R., Mousavi Noor .S.A. (2015), evaluation and analysis of the livability components of Tehran metropolis, scientific-research and international quarterly of the Iranian Geography Association, 14(51), 228-258.(*in Persian*)
- Norris, Tyler and Mary Pittman (2000) “the health community’s movement and the coalition for heal their cities and communities”, *public health reports* 115: 118-124
- Parikhah Zarmehr, Bandarabad Alireza, Saidnia Ahmed, (2013), measuring satisfaction with the quality of life based on the principles of urban livability (case example: Mordestan neighborhood) of the international conference of Niarsh city of Paya. (*in Persian*)
- Parizadi T, Bigdeli L.(2016). Viability assessment in district 17 of Tehran Municipality. *Journal of Spatial Analysis Environmental Hazards* , 3 (1):65-90. (*in Persian*)
- Perogordo, M. D., (2007) *The Silesia Megapolis*, European Spatial Planning.
- Qasimpour Arash, Amjadi Melai Alireza, livability of urban spaces, Sokhnoran Publications, 2016. (*in Persian*)
- Radcliff, B. (2001). Politics, markets and lifesatis faction: the Political economy of human happiness, *American Political science Review*.
- Saitluanga, B. L. (2014). Spatial pattern of urban livability in Himalayan Region: A case of Aizawl City, India. *Social Indicators Research*, 117(2), 541-559.
- Saitluanga, B. L., 2014, Spatial Pattern of Urban Livability in Himalayan Region: A Case of Aizawl City, India, *Social Indicators Research*, Vol. 117, No. 2, PP. 541-559.
- Salarimoghadam, Z., Ziari, K., Hataminejad, H. (2019). Evaluation of Urban Livability in Neighborhoods of District 15 of Tehran metropolis.*journal of Sustainable city*, 2(3), 41-58. (*in Persian*)

- Sasanpour F, Alizadeh S, Aarabi Moghadam H.(2018). Investigating the Feasibility of Urumia Urban Areas Livability using RALSPI Model. *Journal of Applied researches in Geographical Sciences*,18 (48),pp :241-258.(in Persian)
- Sasanpour, F., Tavalaei, S. & Jafari Asadabadi, H. (2015). Study of Urban Livability in Twenty-two Districts of Tehran Metropolitan. *Regional Planning*, 5(18), 27-42. (in Persian)
- Schuessler et al, Irene (2005), Urban environmental quality and human well- being Towards a conceptual frame work and demarcation, *Land Scape and urban planning*. Sun. Greer
- Senlier, N., Yildiz, R., & Aktaş, E. D. (2009). A perception survey for the evaluation of urban quality of life in Kocaeli and a comparison of the life satisfaction with the European cities. *Social Indicators Research*, 94(2), 213-226.
- Shakoor, A., abdolahzade fard, A., khorshidi, R. (2018). The influence of Physical Structure on social correlation formation (Case Study: Ghasrodasht Neighborhood, Shiraz) . *Journal of Urban research and planing, Marvdasht* , 9(33), 85-96. (in Persian)
- Shamaei, A., Sasanpour, F., Soleimani, M., Ahadnejad, M., Heidari, T. (2016). The Analysis of Livability in Urban Distressed Areas: old textures of Zanjan (A Case Study). *Human Geography Research*, 48(4),783-799. (in Persian)
- Soleimanimoghadam, P., Ghandhari, M., Piri, F. (2019). Analysing livabilty and vitality of urban eroded sturctures (A Case study of Ameri neighborhood of Ahvaz. *Urban Structure and Function Studies*, 5(17), 93-114. (in Persian)
- Southworth, M. (2004),*Measuring the Livable City, Built Environment*. The Economist Intelligence Unit (2015).
- The Economist Intelligence Unit (2015). *Liveability ranking and overview*, London, England.
- Timmer, V and Seymoar, N.K. (2006) *The Livable City*, The World Urban Forum 2006, vancouver Working Group Discussion paper2.
- Victorian, C., & Efficiency, C. (2008) “A State of Liveability: An in Inquiry in to enhancing Victoria’s Liveability”, Final Report. p. 10.
- Wheeler (2001), *Planning Sustainable and livability cities*, Stephen. [www.camsys.com/kb/experts-livability](http://www.camsys.com/kb/experts-livability). Htms